

## بررسی الگوهای معنای واژه‌سازی

### «بر پایه اسم‌های مختوم به پسوند (er)ei- در زبان آلمانی»

پرویز البرزی\*

دانشیار زبانشناسی، گروه زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران  
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۳، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۸/۰۷، تاریخ چاپ: مهر ۱۳۹۶)

#### چکیده

هدف از مقاله حاضر یافتن الگوهای مختلف معنای واژه‌سازی در واژه‌های مختوم به (er)ei- در زبان آلمانی می‌باشد. گرچه چنین الگوی واژه‌سازی اکنون چندان زایا نیست، اما درک معانی آن با توجه به تنوع واژه‌های مشتق برای زبان‌آموز از اهمیت خاصی برخوردار است. داده‌ها و یافته‌های اولیه مقاله حاضر از محدوده بررسی منابع شاخص در زمینه واژه‌سازی زبان آلمانی فراتر نمی‌رود و آنچه که نگارنده اقتباس نموده است، همین داده‌ها و یافته‌های اولیه است. یافته‌های ثانویه ماحصل تحقیق نگارنده است. توزیع هر یک از گونه‌های ei- و erei- تابع آخرین واج ستاک فعل یا اسم است. اسم‌های مختوم به پسوند (er)ei- از میان الگوهای گوناگون معنای واژه‌سازی، فقط از چهار الگوی مصدر، حاصل مصدر، اسم مکان و اسم جمع بهره می‌گیرند. گاهی اسم مختوم به پسوند (er)ei- حاوی یک یا چند معنای واژه‌سازی است. همچنین اسم مصدر علاوه بر معنای اصلی، گاهی به صورت معنای ضمنی ناپسند نیز به کار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: معنای واژه‌سازی، اسم مصدر، حاصل مصدر، اسم مکان، اسم جمع.

## ۱- مقدمه

واژه‌سازی یکی از مهم‌ترین روش گسترش واژگان در زبان آلمانی محسوب می‌شود. در این زمینه، علاوه بر روش ترکیب، اشتقاق واژه نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. در این زبان، یکی از الگوهای اشتقاق به کمک پسوند (er)ei- شکل می‌گیرد که از زبان فرانسه باستان وارد آلمانی شده است. در زبان آلمانی، صدها اسم مختوم به پسوند (er)ei- یافته می‌شود. واژه‌های مختوم به (er)ie-، بعضاً از زبان لاتین و برخی دیگر از زبان فرانسه وارد زبان آلمانی میانه شده‌اند. این گونه‌ها در زبان آلمانی جدید به (er)ei- بدل گشته‌اند. واژه‌هایی چون Polizei از دوران بسیار گذشته به عاریت گرفته شده‌اند. این گونه واژه‌های قرضی، باعث گسترش اشتقاق‌های جدیدی با این پسوند شده‌اند. همه واژه‌های مشتقی که به پسوند (er)ei- ختم می‌شوند، دارای حرف تعریف مؤنث هستند. در واژه‌های مختوم به این پسوند، تکیه روی آخرین هجا قرار می‌گیرد. پسوند (er)ei- در حال حاضر، چندان زایا نیست. با این حال، زیایی این پسوند متفاوت و تابع الگوهای معنایی گوناگون است.

در زبان آلمانی، کاربردهای متنوع پسوند (er)ei- به علل گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ساده‌ترین سؤالاتی که در ذهن زبان‌آموز خطور می‌کند این است که چرا این پسوند، برخلاف سایر پسوندها، با یک اسم عام در زبان آلمانی هم‌آوست: مثلاً چرا پسوند ei- در واژه مشتق die Bäckerei با اسم عام Ei در واژه مرکب das Bäckerei شباهت دارد؟ - البته مسلم است که این دو واژه مشتق و مرکب دارای ساختار هجایی متفاوت و نیز دارای الگوهای متفاوت تکیه‌گذاری هستند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های نگارنده برای تحقیق حاضر، همین تشابه صوری بین ei- و Ei است که بسیار نامتعارف به نظر می‌رسد؛ زیرا مشابهت بین پسوند و اسم به ندرت در زبان‌ها یافت می‌شود.

هر محقق قادر است حداقل از یکی از زوایای گوناگون به بررسی این پسوند بپردازد. یکی از اهداف نویسنده از نگارش مقاله حاضر این است تا پی ببرد که تکواژ یا پسوند (er)ei- و به صورت دقیق‌تر سه گونه مختلف آن، یعنی ei-، erei- و elei-، در کدامین بافت‌های فعلی یا اسمی نمود می‌یابند. علاوه بر توزیع تکواژگونه‌های این پسوند، سعی اصلی نویسنده بر این است تا اسم‌های مختوم به این پسوند را از منظر الگوهای معنای واژه‌سازی مورد کنکاش قرار دهد که این الگوها در واقع چارچوب نظری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

در مقاله حاضر کلیه جوانب پسوند (er)ei- و اشتقاق‌های ناشی از آن مورد توجه دقیق قرار می‌گیرد. خواننده در هر مورد، با شواهد تازه‌ای آشنا می‌شود و کماکان در هر مرحله از تحقیق، تحلیل زبان‌شناسانه‌ای عرضه می‌شود.

## ۲- بحث و بررسی

در خصوص موضوع این تحقیق، نگارنده داده‌ها و یافته‌های اولیه خود را صرفاً در آثار واژه‌سازی زبان آلمانی اقتباس کرده است؛ به نحوی که در بخش‌هایی از این آثار کمابیش و به صورت پراکنده گریزی به موضوع پسوند (er)ei- زده شده است. در این آثار، کمابیش شواهدی ذکر شده، اما هرگونه تحلیل و توصیف این پسوند نادیده گرفته شده است. تنها اثری که به موضوع این پسوند پرداخته است، کتاب هان‌فلت (۲۰۱۵) است که حاوی تحلیل منظم و نیز شواهد زیادی است. اما اثر هان‌فلت فاقد رویکرد زبان‌شناسانه است؛ زیرا وی از جمله برای پسوند (er)ei- حدود پنج یا شش گونه قائل می‌شود؛ درحالی که این پسوند تنها دارای سه تکواژگونه است. وانگهی تفاوت اصلی این است که هان‌فلت، بیشتر به جنبه در زمانی یا تاریخی این پدیده پرداخته است؛ درحالی که در مقاله حاضر رویکرد هم‌زمانی واژه‌های مختوم به این پسوند مورد توجه است. در ضمن نگارنده به منبع تحقیقاتی دیگری که منحصر به تحلیل پسوند (er)ei- باشد، دست نیافته است. به عبارتی دیگر، تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه از پسوند (er)ei-، حتی در منابع آلمانی زبان، به‌طور کلی مورد بی‌مهری قرار گرفته شده است. پسوند (er)ei- در زبان آلمانی، شباهت زیادی با پسوند (er)y- زبان انگلیسی دارد. احتمالاً منشأ اصلی هر دو، پسوند (or)ia- زبان لاتین است که از رهگذر پسوند (er)ie- زبان فرانسه وارد آلمانی یا انگلیسی شده است. بر پایه لوده (۲۰۰۶: ۹۲) این پسوند از زبان فرانسه باستان به عاریت گرفته شده و در زبان آلمانی میانه به شکل -īe یا -erīe- درآمده است. واژه‌های مختوم به -īe یا -erīe-، بعضاً از زبان لاتین و برخی دیگر از زبان فرانسه وارد زبان آلمانی میانه شده‌اند. این گونه‌ها در زبان آلمانی جدید به -ei یا -erei- بدل گشته‌اند. اما واژه‌هایی همانند *Kanzlei*، *Arznei* و *Polizei* از دوران بسیار گذشته، به عاریت گرفته شده‌اند و اسم ساده محسوب می‌شوند؛ زیرا به اعتبار هم‌زمانی، فاقد ساختار اسم مشتق‌اند (هان‌فلت ۲۰۱۵: ۶۰). در هر حال، واژه‌های قرضی باعث گسترش اشتقاق‌های جدیدی با پسوند (er)ei- شده‌اند.

واژه‌های مشتقی که به پسوند (er)ei- ختم می‌شوند، دارای حرف تعریف مؤنث هستند و پسوند جمع -en می‌پذیرند. در واژه‌های مختوم به (er)ei-، تکیه روی آخرین هجا قرار

می‌گیرد، درحالی‌که سایر پسوندهای بومی در زبان آلمانی فاقد تکیه هستند.<sup>۱</sup> برای نمونه، پسوند -or در واژه‌ای مانند Lektor بدون تکیه است، اما در شکل جمع Lektoren، هجای دوم تکیه می‌پذیرد؛ یعنی ساختار واجی آن، پس از مرحله تصریف، از رهگذر تکیه تغییر می‌کند.

پسوند -ei همراه با گونه -erei در زمان حاضر، چندان زایا نیست (هارالت واینریش، ۲۰۰۳).<sup>۲</sup> با این حال زایایی این پسوند متفاوت و تابع الگوهای معنایی گوناگون است: اسم‌های مختوم به (er)ei- از منظر معنایی به چهار الگوی واژه‌سازی دسته‌بندی می‌شوند (هان‌فلت ۲۰۱۵: ۲۱-۳۷).

۱- اسم مصدر یا اسم فرایندی (Vorgangs-/Prozessbezeichnung)؛

۲- حاصل مصدر یا اسم برآیندی (Resultats-/Sachbezeichnung)؛

۳- اسم مکان (Ortsbezeichnung)؛

۴- اسم جمع (Kollektivbezeichnung).

ممکن است اسم مختوم به (er)ei- حاوی یک یا چند معنای واژه‌سازی باشد.<sup>۳</sup> همچنین ممکن است اسم مصدر علاوه بر معنای اصلی، به صورت معنای ضمنی ناشایست نیز به کار رود. البته تنها اسم مصدرها نیستند که به صورت معنای ناپسند به کار می‌روند. از این جهت لازم به ذکر است که کلیه سایر الگوهای معنای واژه‌سازی با همراهی ساخت‌های مختوم به پسوند (er)ei- ناممکن است، مانند:

۱- اسم آلت (Gerätebezeichnung): برای نمونه Wecker؛

۲- اسم کیفیت (Eigenschaftsbezeichnung): برای نمونه Frische؛

۱. البته در اغلب واژه‌های مختوم به پسوندهای غیربومی، مانند واژه‌های مختوم به -ent (Doktorand)، -and (Student)، -at (Kandidat)، -ur (Frisur)، -ar (Vokabular) و -iv (alternativ)، آخرین هجا تکیه‌دار است (فلاشر/بارتس ۲۰۱۲: ۱۰۵-۱۰۶).

۲. هر الگوی واژه‌سازی زمانی زایا (produktiv) است که از بسامد بالایی برخوردار باشد (مانند ستاک فعل + پسوند اسم‌ساز -er: Fahrer). بر عکس، هر واژه‌ای به‌عنوان مبنا، در واژه‌سازی در صورتی فعال (aktiv) است (مانند -fahr: در: abfahren, verfahren; Fahrkarte, Fahrplan) که با وندها یا با واژه‌های بیشتری پیوند برقرار کند؛ بنابراین پدیده زایا شامل الگوهاست، درحالی‌که عنصر فعال شامل مبنای اشتقاق است.

۳. در این نوشته منظور از معنای واژه‌سازی (Wortbildungsbedeutung) رابطه معنایی بین سازه‌های اسم مشتق (یعنی ستاک و پسوند) است، درحالی‌که منظور از معنای واژه (Wortbedeutung/Wortschatzbedeutung) همان معنای واژگانی آن است.

- ۳- اسم مفعول (Nomen Patientis): برای نمونه Prüfling؛
- ۴- اسم فاعل (Täterbezeichnung): برای نمونه Rentner و Doktorand؛<sup>۱</sup> البته اسم‌هایی که به پسوندهایی غیر از (er)ei- ختم می‌شوند، نیز ممکن است همانند الگوهای پسوند (er)ei- دارای الگوهای معنای واژه‌سازی زیر باشند:
  - ۱- اسم مکان: برای نمونه Promenade (→ promenieren)؛
  - ۲- حاصل مصدر: برای نمونه Formular (→ formulieren)؛
  - ۳- اسم مصدر: برای نمونه Erlebnis (→ erleben)؛
  - ۴- اسم جمع: برای نمونه Vokabular (→ Vokabel)؛گونه‌های ei- و erei- تنها از ستاک انواع واژه‌های فعل و اسم مشتق می‌شوند. اما در زبان آلمانی، واژه‌های مشتق به پسوندهای دیگری نیز ختم می‌شوند که مبنای اشتقاق آن‌ها، علاوه بر فعل و اسم، مقوله‌های زیر هستند (دونالیس ۲۰۰۷: ۱۳۳-۱۳۷):
  - ۱- صفت: برای نمونه Festung, Blondine, Süße, völlig؛
  - ۲- هم‌وند (Konfix): برای نمونه global, Kommentar, Signal, Ironie؛
  - ۳- قید: مانند sofortig؛
  - ۴- حرف اضافه: مانند widerlich.انتخاب هر یک از دو گونه ei- و erei- تابع آخرین واج (یا دو حرف آخر) ستاک فعل یا اسم است: چنانچه ستاک فعل یا اسم به (e)l یا (e)r- ختم شود، همواره پسوند ei- به‌کار می‌رود؛ در سایر موارد، اگر ستاک فعل، مبنای اشتقاق باشد، همیشه پسوند erei- به‌کار می‌رود. اما اگر اسم، مبنای اشتقاق باشد، ممکن است ei-، برای نمونه در Bücherei و Kartei و یا erei، برای نمونه در Käserei و Schweineerei به‌کار رود. پسوند ei- بر پایه بافت واجی به گونه‌های متفاوتی نمود می‌یابد که در همه موارد، مبنای اشتقاق فعل و اسم و یا تنها اسم است: در مجموع سه تکواژگونه ei-، یعنی ei-، erei- و elei از هم متمایزند که گونه erei- پربسامدترین و گونه elei- کم‌بسامدترین است. گونه elei تنها با مبنای اسمی و تنها در دو بافت واجی خاص به‌کار می‌رود (ر. ک. به مثال‌های ۲۴-د و ۲۴-ه).

۱. لازم به ذکر است که پسوند -ner فقط برای ساخت اسم فاعل به‌کار می‌رود. پسوندی که امروزه در زبان آلمانی از کمترین زایایی برخوردار است، -t است و در واژه‌های Fahrt (→ fahren)، Flucht (→ fliehen)، Sicht، Schrift، Ankunft یافت می‌شود (به‌صورت واژه آزاد وجود ندارد)؛ /sich/، /schrif/ و /kunft/ تکواژگونه‌های فعلی /seh/، /schreib/ و /komm/ تلقی می‌شوند (لوده ۲۰۰۶: ۸۹-۱۴۴، ۱۱۴، ۱۱۷ و ۱۴۳).

اولویت گونه *erei* در مقابل پسوند اصلی *ei* - مبتنی بر دلایل وزن هجایی در زبان آلمانی است. پسوند تکیه‌دار *ei* - از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا در این خصوص، تکیه واژه، روی آخرین مصوت مرکب تکیه‌دار جای می‌گیرد. پسوند *ei* - تنها به واژه‌هایی وصل می‌شود که آخرین هجای آن بی‌تکیه، یعنی دارای شوا باشد. واحد تکیه‌دار در فعل‌های ساده، مانند *stören* و *reiben*، مصوت یا مصوت مرکب ماقبل هجای مختوم به *en* - است. مصوت *e* - در *en* -، شوا ی غیرتکیه‌دار است و در هنگام فرایند اشتقاق، کل پسوند *en* - حذف می‌شود. پسوندها در زبان آلمانی، معمولاً فاقد تکیه هستند، از این جهت، ساختار واجی یک واژه پس از مرحله اشتقاق نیز حفظ می‌شود؛ یعنی هجاهای تکیه‌دار و بی‌تکیه تعویض نمی‌شوند یا اصولاً تغییر نمی‌کنند. اما از آنجایی که *ei* - نسبت به تکیه خنثی نیست، دو هجای تکیه‌دار در اشتقاق با این پسوند پشت سرهم جای می‌گیرند، با این پیامد که مصوت یا مصوت مرکب هجای تکیه‌دار اصلی، تکیه خود را از دست می‌دهد (۱-الف) که در نتیجه ساخت حاصل قابل قبول نیست. برعکس، در تکواژگونه دو هجایی *erei* -، عضو *er* - که ذاتی و بی‌تکیه، یعنی مصوت آن همواره شواست، از پشت سرهم قرار گرفتن دو هجای تکیه‌دار جلوگیری می‌کند (هان‌فلت، ۲۰۱۵: ۱۸-۱۹). در (۱-ب) ساختار واجی در اشتقاق با *erei* - باقی می‌ماند، بدون آنکه مصوت هجای تکیه‌دار اصلی، تکیه خود را از دست دهد. شایان یادآوری است که واژه‌ای مانند *Reiberei* از سه هجای *rei-be-rei* تشکیل می‌شود:

* <u>Lecke</u> i	↓	* <u>Reibe</u> i	↓	(۱-الف)
<u>Leckere</u> i		<u>Reibere</u> i		(۱-ب) جروبحث

همان‌طوری که اشاره شد، گونه‌های *ei* - و *erei* - تنها از ستاک انواع واژه‌های فعل و اسم مشتق می‌شود که لوده (۲۰۰۶: ۹۲-۹۳) آن‌ها را به دو گروه زیر دسته‌بندی می‌کند:

## ۱-۲- فعل، مبنای اشتقاق است:

در این گروه، مبنای اشتقاق فعل است. از این جهت به اعتبار توزیع پسوند، در این دسته‌بندی با دو گونه *ei* - و *erei* - مواجهیم:

۱- گونه *ei* - با مبنای فعلی مختوم به *er(n)* - و *el(n)* - به کار می‌رود؛ مانند *Kletterei* و *Blödelei*

۲- گونه *erei* - با سایر مبنای فعلی به کار می‌رود؛ مانند مبنای فعلی مختوم به *g(en)* - و *l(en)* - در *Singere*i و *Heulere*i.

به اعتبار توزیع ستاک فعل، ممکن است در این گروه مبنای اشتقاق فعل (ساده، مشتق و یا مرکب) و یا گروه فعلی باشد:

#### ۲-۱-۱- فعل ساده، مشتق و یا مرکب، مبنای اشتقاق است:

پسوند *-ei* یا *-erei* اغلب در خدمت ساخت اسم از فعل‌های ساده، فعل‌های جدانشدنی (Partikelverben) و یا فعل‌های مرکب قرار دارد؛ به عبارت دیگر، ستاک فعل ساده، مشتق و یا مرکب مبنای اشتقاق است:

#### الف- فعل ساده، مبنای اشتقاق است (۲-الف و ۲-ب).

flirten	لاسیدن	→ Flirt <u>erei</u>	لاس زنی	(۲-الف)
rennen	دویدن	→ Renn <u>erei</u>	عجله مدام	(۲-ب)

#### ب- فعل جدانشدنی، مبنای اشتقاق است (۳-الف و ۳-ب).

einseifen	صابون زدن/مالیدن	→ Einseif <u>erei</u>	صابون مالی؛ حقه بازی	(۳-الف)
absuchern	جو یا شدن	Absuch <u>erei</u>	تفتیش/تفحص	(۳-ب)

#### ج- فعل مرکب، مبنای اشتقاق است (۴-الف و ۴-ب).

schwarzsehen	→ Schwarzseh <u>erei</u>	تماشای قاچاقی تلویزیون؛ بدبینی	(۴-الف)
wahrsagen	→ Wahrsag <u>erei</u>	پیش‌گویی/فالگیری؛ گفتار پیش‌گویانه	(۴-ب)

برعکس موارد فوق و طبق برخی از منابع، برای مثال در هان‌فلت (۲۰۱۵: ۲۲)، فعل‌های پیشوندی، مانند *besuchen*، به ندرت با این پسوند به کار می‌روند؛ درحالی‌که واژه‌هایی مانند *Betrügerei* «شیادی» و *Verräterei* «خیانت» که از فعل‌های پیشوندی مشتق شده‌اند، کاملاً رایج‌اند؛ همچنین اسم مصدر مشتق از فعل که حاوی معنای ضمنی ناپسند یا توهین‌آمیز (*abwertend*) باشد، متداول‌ترین یا رایج‌ترین کاربرد به‌شمار می‌رود (فلایش/بارتس ۲۰۱۲: ۱۹۹): اگر فعل به *-el(n)* ختم شود، گونه *-ei* (مانند *Heuchelei* و *Bastelei*) و اگر به *-(e)n* ختم شود، گونه *-erei* (مانند *Heulerei* و *Esserei*) به کار می‌رود. گوینده با ادای این کلمات،

۱. واژه *Wahrsagerei* در (۴-ب) در کاربرد اسم مصدر شکل جمع ندارد.

عمل تکراری و دائمی را مردود می‌شمارد که به نظرش ناخواسته، ناگوار یا زاید است. به عبارت دیگر، با بیان پسوند اسم‌ساز *-ei* یا *-erei* نوعی کنش تکرار می‌شود که به صورت اسم ادا می‌گردد؛ به نحوی که میزان تکرار، اغلب از محدوده هنجار تجاوز می‌کند. در نتیجه یک معنای ضمنی که اغلب ناپسند است، از مشتقات مختوم به *-ei* یا *-erei* حاصل می‌شود (۵-). الف تا ۵-ی). در زبان محاوره، واژه *Raserei* در مثال (۵-ی) به معنای ضمنی ناپسند «سرعت دیوانه‌وار» و همین طور مبنای اشتقاق آن *rasen* به معنای «دیوانه‌وار رانندگی کردن» نیز به کار می‌رود.

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
(۵-الف) زنگ ممتد	<i>Klingelei</i> → زنگ زدن
(۵-ب) گدایی	<i>Bettelei</i> → گدایی کردن
(۵-ج) تجمع/ ازدحام جمعیت	<i>Drängelei</i> → تحت فشار گذاشتن
(۵-د) سرگرمی؛ کاردستی	<i>Bastelei</i> → کاردستی درست کردن
(۵-ه) کوهنوردی؛ پرسه‌زنی	<i>Kletterei</i> → بالا خزیدن
(۵-و) تفحص/تفتیش	<i>Absucherei</i> → جویا شدن
(۵-ز) عجله مدام	<i>Renneri</i> → دویدن
(۵-ح) تیراندازی بیهوده	<i>Schießerei</i> → تیراندازی کردن
(۵-ط) شلوغی/فشرده‌گی	<i>Drängerei</i> → فشار آوردن/فشاردن
(۵-ی) جنون/دیوانگی	<i>Raserei</i> → جنون داشتن

اشتقاق با پسوند *(er)ei* - دارای الگوهای معنای واژه‌سازی زیر هستند:

#### الف- اسم مصدر و حاصل مصدر

اشتقاق با پسوند *(er)ei* - برای ساخت اسم مصدر بسیار فعال است. این گونه واژه‌های مشتق، حوادث مکرری را بیان می‌کنند که منظور آن، کلیتی از هر یک از حوادث یک نوع است. این واژه‌های مشتق، نامطلوب و ناخواسته ارزیابی می‌شوند؛ همچنین اسم مصدر، اغلب از فعلی مشتق می‌شود که گویای فعالیت‌های موجودات زنده است (۶-الف تا ۶-و). اگر مبنای اشتقاق، فعل مختوم به *el(n)* باشد، اسم مصدر با معنای ضمنی توهین‌آمیز (۶-الف یا ۶-



ب) ۱، و در برخی موارد نیز با کاربرد ثانویه حاصل مصدر می‌سازد (۶-ج یا ۶-د). (۶-ه) در محاوره و (۶-و) اغلب به معنای ضمنی ناپسند به کار می‌رود.

اسم مشتق: مبنای اشتقاق:

blödeln	رفتار احمقانه داشتن	→ Blödelei	حمایت	(۶-الف)
heucheln	ریا کردن	→ Heuchelei	تظاهر/ وانمود	(۶-ب)
blödeln	رفتار احمقانه داشتن	→ Blödelei	گفتار/ رفتار احمقانه	(۶-ج)
heucheln	ریا کردن	→ Heuchelei	ظاهر سازی/ ریاکاری	(۶-د)
mogeln	کلاهبرداری کردن	→ Mogelei	فریبکاری/ تقلب	(۶-ه)
tuscheln	در گوشی/ نجوا کردن	→ Tuschelei	پیچ/ وراچی	(۶-و)

ممکن است برای مبنای اشتقاق، فعل‌های فرضی مختوم به el(n)- قابل تصور باشد که اصولاً وجود خارجی ندارند (۷-الف و ۷-ب).

handwerkeln	→ Handwerkelei	کار دستی ناشیانه	(۷-الف)
heimattümeln	→ Heimattümelei	تعصب در وطن پرستی	(۷-ب)

به طوری که بیان شد، گاهی این گونه مشتقات گویای معنای واژه‌سازی حاصل مصدر نیز هستند. اصولاً بسیاری از اسم مصدرها به صورت منظم دارای کاربرد ثانویه نیز می‌شوند (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۴۸-۴۹ و ۱۲۲-۱۲۳). برای مثال، اسم مصدر در واژه‌های *Leitung* «مدیریت»، *Eingang* «ورودی» و *Schreiben* «نوشتن» به ترتیب دارای کاربردهای ثانویه اسم جمع «مدیران»، اسم مکان «در ورودی» و حاصل مصدر «نامه» نیز هستند.

همچنین گاهی مشتقات مختوم به (er)ei- با الگوی واژه‌سازی حاشیه‌وند (Zirkumfix) Ge-...-e مشابهت دارند؛ به عبارت دیگر، اسم‌های مختوم به (er)ei- که از فعل مشتق می‌شوند، با اسم‌های مشتق از فعل که حاوی حاشیه‌وند Ge-...-e هستند، هم‌معنایند؛ برای مثال *Schmiererei(en)* با *Geschmiere* هم‌معناست: «نوشته ناخوانا و بدخط». این حاشیه‌وند با فعل‌های لازم، متعدی و نیز با فعل‌های جداشدنی مانند *Abgelese* و *Hinausgelaufe* به کار می‌رود. بر عکس، با فعل‌های انعکاسی، پیشوندی و نیز با فعل‌های مختوم به پسوند -ier(en) به کار نمی‌رود (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۲۶۶-۲۶۷). حاشیه‌وند Ge-...-e به ستاک حال و در

۱. این واژه‌های مشتق در کاربرد اسم مصدر شکل جمع ندارند.

فعل‌های بی‌قاعده، اغلب به ستاک گذشته می‌چسبند. الگوهای معنای واژه‌سازی این نوع ساخت عبارت‌اند از: اسم مصدر (مانند *Gelaufe*)، حاصل مصدر (مانند *Gefüge*) و اسم آلت (*Getriebe*). در معنای واژه‌سازی اسم مصدر، اسم مشتق *Ge-...-e* جمع بسته نمی‌شود. سایر مشتقات *Ge-...-e* که مؤلفه دوم آن‌ها *-e* نیست (۸-الف تا ۸-ه)، در زمان حاضر دارای الگوی زایا نیستند.<sup>۱</sup>

اسم مشتق:		مبنای اشتقاق:	
(۸-الف) وزن، سنگینی	<i>Gewicht</i> → وزن کردن	<i>wiegen/wägen</i>	
(۸-ب) ساختمان	<i>Gebäude</i> → ساختن	<i>bauen</i>	
(۸-ج) (تابلو) نقاشی	<i>Gemälde</i> → نقاشی کردن	<i>malen</i>	
(۸-د) قهقهه؛ مضحکه	<i>Gelächter</i> → خندیدن	<i>lachen</i>	
(۸-ه) تافته؛ تار عنکبوت؛ وب	<i>Gespinst</i> → تابیدن/ریسیدن	<i>spinnen</i>	

همان‌گونه که اشاره شد، گروهی از این ساخت‌ها بیان‌کننده نتیجه یک عمل یا یک فرایندند؛ یعنی حاصل مصدرند. کلیه مثال‌های (۹-الف تا ۹-ه) بدون معنای ضمنی ناپسند، به معنای حاصل مصدر به کار می‌روند و با الگوی آن‌دسته از پسوندواژه (*Suffixoid*) *-werk* که از مبنای فعلی مشتق شوند، هم‌معنایند.<sup>۲</sup> البته (۹-الف) و (۹-ب) به معنای اسم مصدر نیز به کار می‌روند. ممکن است حاصل مصدر ملموس (۹-الف و ۹-ب) و یا انتزاعی (۹-ج و ۹-ه)

۱. گونه‌ای از حاشیه‌وند *Ge-...-e* به صورت پیشوند *Ge-* نمود می‌یابد. در الگوی این پیشوند، مبنای اشتقاق اسم است و چنین ساختی فاقد هرگونه قابلیت زایایی است. این الگو، اسم جمع می‌سازد؛ مانند *Gestein*. الگوی پیشوند *Ge-* به الگوی پسوندواژه *-werk* شبیه است؛ برای مثال *Gebälk* و *Balkenwerk* به یک معنا به کار می‌روند.

۲. شایان ذکر است که دو نوع ساخت با الگوی پسوندواژه *-werk* متصور است (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۲۳۰ و لوده ۲۰۰۶: ۱۱۲-۱۱۳): ۱- مبنای اشتقاق اسم است که در این صورت، معنای واژه‌سازی، اسم جمع مانند *Buschwerk* و *Lederwerk* است؛ به عبارت دیگر، این نوع از ساخت‌ها، بیان‌کننده کلیت یک چیز است و با الگوی واژه‌سازی حاشیه‌وند *Ge-...-e* یا پیشوند *Ge-* مشابهت دارند؛ برای مثال *Buschwerk* و *Gebüsch* به یک معنا به کار می‌روند. ۲- مبنای اشتقاق فعل است که در این صورت معنای واژه‌سازی، حاصل مصدر مانند *Bauwerk* و *Strickwerk* است. مترادف این نوع از ساخت‌ها، مشتقات مختوم به پسوند *(-er)ei* است؛ برای مثال *Schnitzwerk* و *Schnitzerei* به یک معنا به کار می‌روند، البته در اسم‌های مختوم به پسوند *(-er)ei* معنای واژه‌سازی اسم مصدر غالب است.

د) باشد. (۹-و) دارای معنای حاصل مصدر ملموس است. (۹-ز) فقط دارای معنای ضمنی ناپسند است.

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
Stickerei → گلدوزی کردن	sticken (۹-الف) گلدوزی (قطعه # کار)
Schnitzerei → تراشیدن چوب	schnitzen (۹-ب) کنده‌کاری (قطعه # کار)
Schmeichelei → تملق کسی را کردن	schmeicheln (۹-ج) چاپلوسی/پاچه‌خواری
Plauderei → گپ زدن/چت کردن	plaudern (۹-د) وژاجی/چانه‌زنی
Meuterei → شورش کردن	meutern (۹-ه) تمرد/سرکشی
Bauwerk → ساختن	bauen (۹-و) عمارت/ساختمان
Flickwerk → وصله/رفو کردن	flicken (۹-ز) سرهم‌بندی/چهل‌تیکه

#### ب- اسم مکان

پسوند -ei یا -erei- همراه با ستاک فعل به کار می‌رود تا علاوه بر نامگذاری کنش‌ها (اسم مصدر) و نتیجه کنش‌ها (حاصل مصدر)، اسم‌های مکان را نامگذاری کند که محل نوعی فعالیت را بیان می‌کنند؛ یعنی نامگذاری محل اشتغال یا جایی که در آن، فعالیت صنفی صورت می‌گیرد (۱۰-الف و ۱۰-ب).

Rösterei → تُست/برشته کردن	rösten (۱۰-الف) کارگاه تُست
Ausbesserei → مرمت/رفو کردن	ausbessern (۱۰-ب) تعمیرگاه

#### ۲-۲- گروه فعلی، مبنای اشتقاق است.

در این دسته‌بندی، گروه فعلی مبنای اشتقاق است (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۹). اسم مشتق بیان‌کننده ارزش نامطلوب یک عمل یا واقعیت است و عمدتاً در معنای ضمنی ناپسند به کار می‌رود. در این گروه فقط گونه -erei- به کار می‌رود (۱۱-الف تا ۱۱-ه).<sup>۱</sup>

۱. برخلاف این موارد، واژه Schuhmacherei 'کفاشی' است که ظاهراً از واژه Schuhmacher زبان آلمانی میانه مشتق شده است.

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
Recht haben	→ Rechthab <u>erei</u> یکدندگی (۱۱-الف)
Schaum schlagen	→ Schaumschläg <u>erei</u> خودستایی (۱۱-ب)
viele Weiber haben	→ Vielweib <u>erei</u> چندهمسری (۱۱-ج)
Augen auswischen	→ Augenauswisch <u>erei</u> اغفال (۱۱-د)
viel schreiben	→ Vielschreib <u>erei</u> گزافه‌نویسی (۱۱-ه)

### ۲-۳- اسم، مبنای اشتقاق است.

در این گروه، مبنای اشتقاق اسم است. به اعتبار توزیع پسوند، در این دسته‌بندی با سه گونه *-ei*، *-erei* و *-elei* مواجهیم:

۱- گونه *-ei* با مبنای اسمی مختوم به مصوت به کار می‌رود که این مصوت، در اشتقاق همواره حذف می‌شود؛ مانند *Kartei* «کاتالوگ» و *Türkei* «ترکیه». این گونه همچنین به مبنای اسمی مختوم به صامت‌های *-l* (مانند *Teufeli* «درنده‌خویی»)، *-r* (مانند *Gärtnererei* «قلمستان» و *Barbarerei* «بربریت»)، *-n* (مانند *Tyrannei* «استبداد») و *-t* (مانند *Auskunftei* «بنگاه اطلاع‌رسانی») می‌چسبد. بالأخره این گونه با مبنای اسم اختصاری نیز به کار می‌رود؛ مانند *Pfarrei* «مقام کلیسا»؛

۲- گونه *-erei* با مبنای اسمی مختوم به مصوت به کار می‌رود که این مصوت در اشتقاق همواره حذف می‌شود؛ مانند *Sklaverei* «برده‌داری» و *Afferei* «جلافت».<sup>۲</sup> همچنین گونه *-erei* به مبنای اسمی مختوم به مصوت مرکب نیز می‌چسبد، مانند *Sauerei* «کثافت‌کاری». بالأخره این گونه با مبنای اسمی مختوم به صامت نیز به کار می‌رود؛ مانند *Schweinerei* «گندکاری»، *Schelmerei* «شیطنت‌بازی»؛ *Lapperei* «اجناس مندرس» و *Lumperei* «رفتار متقلبانه»؛

۱. در برخی از منابع واژه‌ای چون *Wüstenei* (→ *Wüste*) را به نادرست مختوم به گونه *-nei* قلمداد می‌کنند (هان‌فلت ۲۰۱۵: ۱۸)، در حالی که طبق فلاشر/بارتس (۲۰۱۲: ۱۹۸) در اسم مکان *Wüste-n-ei*، عنصر *-n-* بیناوند اشتقاقی است و این بیناوند (*Fuge*) از التقای مصوت‌ها جلوگیری می‌کند.

۲. ظاهراً تنها موردی که به گونه *-rei* ختم می‌شود، واژه *Kafkarei* «پوچ‌انگاری» است که از اسم خاص *Kafka* مشتق شده است.

۳- اما گونه نادر elei- که تنها و تنها با مبنای اسمی (و نه فعلی) به‌کار می‌رود و آن مبنا مختوم به tum- و یا t- است؛ مانند Volkstümelei «عوام‌فریبی» و Fremdwörtelei «بیهودگی».

به اعتبار معنای واژه‌سازی، معانی زیر از واژه‌های مختوم به ei-، erei- و یا elei- که از اسم مشتق شده‌اند، متصور است:

#### الف- اسم مکان

پسوند ei- به اسم ملحق می‌شود تا جاها و مکان‌هایی را نامگذاری کند که در آن، فرد به پیشه‌ای اشتغال دارد و یا چیزی تولید می‌کند (۱۲-الف تا ۱۲-ک). در اغلب موارد، مبنای این نوع اشتقاق اسم فاعل است که به پسوند er- و یا or- ختم می‌شود. در همه این موارد، مبنای اشتقاق دارای حرف تعریف مذکر است. این گونه مشتقات، مبنای اشتقاق فعلی ندارند. در زبان محاوره، واژه Spinnerei در مثال (۱۲-ک) به معنای ضمنی ناپسند «خیالبافی» و همین طور مبنای اشتقاق آن Spinner به معنای «خیالباف» نیز به‌کار می‌رود.

#### مبنای اشتقاق:

#### اسم مشتق:

Brauer	→ Brauerei	آبجوسازی	(۱۲-الف)
Gärtner	→ Gärtnerei	قلمستان/نهادستان	(۱۲-ب)
Förster	→ Försterei	جنگل‌بانی	(۱۲-ج)
Reeder	→ Reederei	شرکت کشتیرانی	(۱۲-د)
Färber	→ Färberei	(کارگاه) رنگرزی	(۱۲-ه)
Konditor	→ Konditorei	شیرینی‌فروشی	(۱۲-و)
Lektor	→ Lektorei	مؤسسه ویراستاری	(۱۲-ز)
Gießer	→ Gießerei	(کارگاه) ذوب فلز	(۱۲-ح)
Metzger	→ Metzgerei	قصابی	(۱۲-ط)
Buchbinder	→ Buchbinderei	صحافی	(۱۲-ی)
Spinner	→ Spinnerei	(کارگاه) ریسندگی	(۱۲-ک)

ممکن است پسوند -or به اسم ملحق شود،<sup>۱</sup> اما جاها و مکان‌هایی را نامگذاری نکنند و تنها گروهی را هدف قرار گیرد (۱۳-الف).

(۱۳-الف) جامعه کر کلیسا → Kantorei → سرپرست همسرایان کلیسا Kantor

اما در برخی موارد، مبنای این نوع اشتقاق اسم شیء است که به el- (۱۴-الف) و یا er- (۱۴-ب و ۱۴-ج) ختم می‌شود. مبنای این نوع اشتقاق دارای حرف تعریف مذکر است.

اسم مشتق: مبنای اشتقاق:

(۱۴-الف) کارگاه آجرپزی → Ziegelei → آجر، سفال Ziegel

(۱۴-ب) چاپ‌خانه → Druckerei → چاپ‌گر Drucker

(۱۴-ج) اتاق تکثیر → Kopiererei → دستگاه کپی Kopierer

برای ارائه شواهد دیگری از این نوع، واژه‌های Bäckerei (۱۵-الف) و Wäscherei (۱۵-ب) را در نظر می‌گیریم، که هر دو اسم مکان‌اند و از اسم فاعل مشتق می‌شوند. بر عکس، واژه‌های Backerei (۱۵-ب) و Wascherei (۱۵-د) که هر دو اسم مصدرند و از فعل مشتق می‌شوند، در زبان مجاوره به معنای ناپسند به کار می‌روند. در این خصوص، تفاوت بین اسم مکان و اسم مصدر تا حدودی از رهگذر تجانس آوایی (Umlaut) مشخص می‌شود که با وجود این تجانس، حتماً اسم مکان (۱۵-الف و ۱۵-ج) مورد نظر است (فلايشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۹).

اسم مشتق: مبنای اشتقاق:

(۱۵-الف) نانوايي → Bäckerei → نانوا Bäcker

(۱۵-ب) نان‌پزی مدام → Backerei → پختن backen

(۱۵-ج) خشک‌شویی → Wäscherei → لباس شو Wäscher

(۱۵-د) لباس‌شویی مداوم → Wascherei → شستن waschen

۱. پسوند -or از زبان لاتین اخذ شده است و به فعل و اسم می‌پیوندد (لوده ۲۰۰۶: ۱۴۱-۱۴۲): ۱- مبنای اشتقاق فعل‌های مختوم به پسوند غیربومی -ier است. در این صورت، اغلب قبل از پسوند -or بیناوند اشتقاقی -at- نمود می‌یابد. ممکن است اسم مشتق از این نوع اشتقاق، اسم فاعل مانند Kommentator (→ Kommentieren) یا اسم آلت مانند Ventilator (→ ventilieren) باشد. ۲- مبنای اشتقاق اسم است و این نوع ساخت به‌ندرت یافت می‌شود و معمولاً اسم‌های مختوم به پسوند -ion را در برمی‌گیرد؛ همچنین ممکن است اسم مشتق از این نوع اشتقاق، اسم فاعل مانند Lektor (→ Lektion) یا اسم آلت مانند Kompressor (→ Kompression) باشد.

به‌ندرت واژه مشتق مختوم به erei- یافت می‌شود که در زمره اسم مکان محسوب شود. با این حال (۱۶-الف و ۱۶-ب) از این نوع مشتقات قلمداد می‌شوند و حاوی اسم مکان‌اند (لوده ۲۰۰۶: ۹۳).

(۱۶-الف) شراب‌سازی → Mosterei → شراب خام میوه Most  
(۱۶-ب) شرکت پنیرسازی؛ تولید پنیر<sup>۱</sup> → Käserei Käse پنیر

همچنین پسوند ei- به اسم‌های عام شخص می‌چسبد که در جای مشخصی زندگی می‌کنند و نام‌های جغرافیایی خاص می‌سازد. در این موارد، آخرین مصوت ستاک مبنای اشتقاق حذف می‌شود (۱۷-الف تا ۱۷-د).<sup>۲</sup>

اسم مشتق:		مبنای اشتقاق:	
(۱۷-الف) تُرکیه	→ <u>Türkei</u>	تُرک، اهل ترکیه	Türke
(۱۷-ب) اسلواکی	→ <u>Slowakei</u>	اسلواک، اهل اسلواکی	Slowake
(۱۷-ج) مغولستان	→ <u>Mongolei</u>	مغول، اهل مغولستان	Mongole
(۱۷-د) لومباردی	→ <u>Lombardei</u>	اهل/ساکن لومباردی	Lombarde

#### ب- اسم جمع

همچنین اسم جمع (Kollektivum)<sup>۳</sup> مانند Kartei, Länderei و Bücherei در این گروه جای می‌گیرد. شایان ذکر است که در این نوع از اشتقاق، گاهی حذف آخرین واج واژه مبنای e- (۱۸-الف) و یا الحاق بی‌ناوند اشتقاقی -er- (۱۸-ب و ۱۸-ج) ضروری به نظر می‌رسد (لوده

۱. واژه Käserei در کاربرد اسم مصدر شکل جمع ندارد.  
۲. سایر پسوندهایی که نام‌های جغرافیایی خاص می‌سازند، عبارت‌اند از -en (Norwegen) و -ien (Argentinien). همچنین اسم Land که جزء پایانی برخی از اسامی را اشغال می‌کند، چنین نقشی را برعهده می‌گیرد. بخش عظیمی از اسامی کشورها از رهگذر ترکیب ساخته می‌شوند؛ به‌نحوی که جزء دوم آن‌ها Land (Finland) Mark (Dänemark) و یا Reich (Frankreich) هستند (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۲۵۲-۲۵۳). اسامی خاص منحصر به فردند و در زبان آلمانی غالباً حرف تعریف نمی‌پذیرند. از این جهت اسامی کشورهای فوق که جزء دوم آن‌ها را اسم‌های عام Land, Mark و Reich تشکیل می‌دهند، در این ترکیبات به نحوی نقش اسم خاص را پذیرفته‌اند و بدون حرف تعریف به‌کار می‌روند.  
۳. اسم جمع در ظاهر مفرد است؛ ولی در معنا بر مجموعه‌ای اطلاق می‌شود و کثرت را نشان می‌دهد مانند Gebirge که اسم جمع Berg است و کثرت کوه را تداعی می‌کند؛ اما به‌صورت واحد ظهور می‌کند.

۲۰۰۶: ۹۳). واژه *Reiterei* به معنای قدیمی خود «سواره‌نظام» اسم جمع است، اما این واژه در محاوره به معنای «سوارکاری» به کار می‌رود که از *Reiter* «سوارکار» و یا *Reiten* «اسب‌سواری» مشتق شده است.<sup>۱</sup>

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
(۱۸-الف) کاتالوگ/فایل	<i>Karte</i> → <i>Kartei</i>
(۱۸-ب) املاک/مستغلات	<i>Land</i> → <i>Länderei(en)</i>
(۱۸-ج) کتابخانه عمومی کوچک	<i>Buch</i> → <i>Bücherei</i>

همچنین الحاق بیناوند اشتقاقی *-er-* در مثال (۱۹-الف) ضروری به نظر می‌رسد، اما در این نوع از اشتقاق، بر خلاف مثال‌های (۱۸-ب و ۱۸-ج)، معنای تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز استنباط می‌شود.

(۱۹-الف) لوس‌بازی، بچه‌بازی	<i>Kind</i> → <i>Kinderei</i>	بچه
-----------------------------	-------------------------------	-----

گاهی پسوند *-ei-* به اسم‌های مختوم به پسوند *-el-* یا *-er-* می‌پیوندد که در این صورت، واژه مشتق‌گونه نادری از اسم جمع است. در این خصوص، ممکن است مبنای اشتقاق اسم شیء (۲۰-الف و ۲۰-ب) و یا اسم فاعل (۲۰-ج) باشد (فلايشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۸).

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:	
(۲۰-الف) سه پایه	<i>Staffel</i> → <i>Staffelei</i>	پله/پاشنه
(۲۰-ب) صفحات مقدماتی کتاب	<i>Titel</i> → <i>Titelei</i>	عنوان
(۲۰-ج) جنایتکاری سازمان‌دهی شده	<i>Gangster</i> → <i>Gangsterei</i>	تبهکار

#### ج- اسم مصدر

همچنین برخلاف ساخت‌های (۱۲-الف تا ۱۲-ک)، ممکن است مبنای اشتقاق، اسم فاعل و مختوم به *-er-* و نیز دارای حرف تعریف مذکر باشد، اما اسم مشتق فاقد معنای جا و مکان

۱. اسم جمع از رهگذر سایر پسوندها نیز حاصل می‌شود. یکی از پسوندهایی که همراه با اسم مبنای، اسم جمع می‌سازد، *-ar-* است (لوده ۲۰۰۶: ۱۳۲): اگر مبنای اشتقاق اسم باشد، مشتق آن اسم جمع است مانند *Vokabular* (→ *Vokabel*)؛ اما اگر مبنای اشتقاق فعل باشد، اسم مشتق از آن حاصل مصدر است؛ مانند *Formular* (→ *formulieren*) و *Kommentar* (→ *kommentieren*). یکی دیگر از پسوندها *-alien-* است؛ مثلاً در *Personalien* (→ *Person*) که از پسوند *-ālia-* زبان لاتین اخذ شده است (همان‌جا: ۱۳۰).



باشد. مبنای اشتقاق کلیه مثال‌های (۲۱-الف تا ۲۱-ح) اسم فاعل و دارای حرف تعریف مذکرند. البته در این ساخت‌ها، ویژگی فعلی غالب است و از این جهت، کلیه اسم‌های مشتق زیر در وهله نخست حاوی معنای اسم مصدرند. (۲۱-الف) و (۲۱-ب) به معنای ضمنی ناپسند به‌کار می‌روند. (۲۱-ج) و (۲۱-د) در زبان محاوره به معنای ضمنی ناپسند و (۲۱-ه) در زبان محاوره به‌کار می‌روند. (۲۱-و)، (۲۱-ز) و (۲۱-ح) در زبان معیار به‌کار می‌روند. مثال Spötterei در (۲۱-ز) با پسوند ei- در بعضی از منابع (مثلاً دونالیس، ۲۰۰۷: ۱۳۴) به شکل Spotterei «شوخی طبعی» با پسوند -erei ثبت گردیده که از فعل spotten مشتق شده است.

مبنای اشتقاق:

اسم مشتق:

Stümper	→ آدم ناشی	Stümper <u>e</u> i	بی‌مهارتی	(۲۱-الف)
Rüpel	→ آدم لات	Rüpe <u>e</u> i	ولگردی	(۲۱-ب)
Schlamper	→ آدم شلخته	Schlamp <u>e</u> i	لابالی‌گری	(۲۱-ج)
Aufschneider	→ آدم چاخان	Aufschneid <u>e</u> i	لاف‌زنی	(۲۱-د)
Angeber	→ آدم فخر فروش	Angeb <u>e</u> i	خودستایی	(۲۱-ه)
Träumer	→ آدم خیال‌باف	Träum <u>e</u> i	خیال‌پردازی	(۲۱-و)
Spötter	→ آدم بذله‌گو	Spött <u>e</u> i	مسخره‌بازی	(۲۱-ز)
Gauner	→ متقلب، حيله‌گر	Gaun <u>e</u> i	کلاهبرداری	(۲۱-ح)

پسوند ei- همچنین وقتی به‌کار می‌رود که نوعی رفتار ناپسند بیان شود. از این جهت، مبنای اشتقاق اسم‌های اشخاص و اسامی حیوانات هستند که به‌طور مجازی (figurativ) بر انسان دلالت می‌کنند و معنای ضمنی تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز را در خود دارند. در این خصوص، علاوه بر مبنای اشتقاق، اسم‌های مشتق نیز در معنای ضمنی تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز به‌کار می‌روند (۲۲-الف تا ۲۲-ج). معنای واژه‌سازی، نوع و نتیجه رفتار است (فلايشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۸). مبنای اشتقاق در (۲۲-ه) اسم مرکب است.

مبنای اشتقاق:

اسم مشتق:

Esel	→ الاغ/خر	Ese <u>e</u> i	حماقت	(۲۲-الف)
Teufel	→ شیطان/ابلیس	Teufe <u>e</u> i	قساوت، درنده‌خویی	(۲۲-ب)
Flegel	→ گستاخ، پررو	Flege <u>e</u> i	وقاحت، گستاخی	(۲۲-ج)
Ferkel	→ بچه‌خوک؛ پلید	Ferke <u>e</u> i	کثافت‌کاری	(۲۲-د)
Eulenspiegel	→ شعبده‌باز	Eulenspiege <u>e</u> i	چشم‌بندی	(۲۲-ه)

در این باره، ممکن است مبنای اشتقاق اسم شخص و یا اسم حیوان نباشد (۲۳-الف).  
 (۲۳-الف) کاغذبازی Amtsschimmelei → مقررات دست‌وپاگیر Amtsschimmel  
 همچنین این گروه از اسم‌ها که دارای ارزش ناپسند و معنای ضمنی ناپسند و ناشایست هستند، ظاهراً با تأثیرپذیری از مبنای اشتقاقی مختوم به پسوند -er با گونه -erei به‌کار می‌روند (۲۴-الف تا ۲۴-ج)، یا با تأثیرپذیری از مبنای اشتقاقی مختوم به پسوند -el با گونه -elei به‌کار می‌روند (۲۴-د و ۲۴-ه). در ضمن ممکن است مبنای اشتقاق ساده (۲۴-الف و ۲۴-ب)، مرکب (۲۴-ج و ۲۴-د) و یا مشتق (۲۴-ه) باشد. مبنای اشتقاق این گروه از اسم‌ها، همواره مختوم به صامت است (لوده، ۲۰۰۶: ۹۳). مثال Vaterländerei در (۲۴-ج) معادل واژه بیگانه Patriotismus است (فلاشر/بارتس، ۲۰۱۲: ۱۹۹). مثال Dieberei (۲۴-الف) در بعضی از منابع (مثلاً دونالیس، ۲۰۰۷: ۱۳۴) به شکل Diebelelei ثبت شده است.

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
(۲۴-الف) دزدی، سرقت	<u>Dieberei</u> → دزد <u>Dieb</u>
(۲۴-ب) گندکاری	<u>Schweinerei</u> → خوک <u>Schwein</u>
(۲۴-ج) میهن‌پرستی	<u>Vaterländerei</u> → وطن/زادگاه <u>Vaterland</u>
(۲۴-د) حسادت دائمی	<u>Eifersüchtelei</u> → رشک <u>Eifersucht</u>
(۲۴-ه) تعصب نسبت به فرهنگ	<u>Deutschtümelei</u> → منش آلمانی‌ها <u>Deutschtum</u>

فقط معنای واژه مشتق، نوع واژه‌سازی (اسم مصدر، حاصل مصدر، اسم مکان و اسم جمع) را تعیین می‌کند؛ زیرا به اعتبار هم‌زمانی ساخت‌های مختوم به (er)ei با یک الگوی معنایی واحد، غالباً هم از فعل و هم از اسم مشتق می‌شوند؛ همچنین به اعتبار درزمانی یا تاریخی، واژه زبان آلمانی میانه malerey به اعتبار ساخت‌واژی از دو جهت شفاف است؛ یعنی ممکن است هم از اسم Maler مشتق شود که در این صورت، گونه -īe می‌گیرد و به معنای «تابلو نقاشی» است و هم از فعل malen مشتق شود که در این صورت گونه -erīe می‌گیرد و به معنای هنر نقاشی است.

واژه‌های مختوم به (er)ei تنها دارای معنای واژه‌سازی اسم مصدر، حاصل مصدر، اسم مکان و یا اسم جمع هستند. واژه‌های مختوم به (er)ei هرگز دارای معنای واژه‌سازی اسم فاعل، اسم آلت و یا اسم کیفیت و غیره نیستند (لوده، ۲۰۰۶: ۱۱۶).

به‌طوری‌که بیان شد، گاهی علاوه بر معنای اسم مصدر، معنای حاصل مصدر و یا اسم مکان نیز حاصل می‌شود. از این جهت معنای واژه مشتق که انواع واژه‌سازی را مشخص

می‌کند، اغلب وابسته به نوع مبنای اشتقاق است: در (۲۵-الف) مبنای اشتقاق فعل است و واژه مشتق اسم مصدر، اما در (۲۵-ب) مبنای اشتقاق اسم و واژه مشتق حاصل مصدر است. در (۲۵-ج) مبنای اشتقاق فعل است و واژه مشتق اسم مصدر، اما در (۲۵-د) مبنای اشتقاق اسم است و واژه مشتق اسم مکان است.

اسم مشتق:	مبنای اشتقاق:
(۲۵-الف) (هنر) نقاشی	Malerei → نقاشی کردن malen
(۲۵-ب) (تابلو) نقاشی	Malerei → نقاش Maler
(۲۵-ج) (عمل) بافندگی	Weberei → بافتن weben
(۲۵-د) (عمل) خیاطی	Schneiderei → دوزندگی کردن schneiden
(۲۵-ه) (عمل) نجاری	Tischlerei → درودگری کردن tischlern
(۲۵-و) (کارگاه) بافندگی	Weberei → بافنده Weber
(۲۵-ز) (کارگاه) خیاطی	Schneiderei → خیاط Schneider
(۲۵-ح) (کارگاه) نجاری	Tischlerei → نجار Tischler

### ۳- نتیجه‌گیری

در این مقاله توزیع و نقش پسوند (er)ei- را به صورت مفصل و به همراه شواهدی تحلیل کردیم. انتخاب هر یک از دو گونه ei- و erei- تابع آخرین واج ستاک فعل یا اسم است: چنانچه ستاک فعل یا اسم به (e)l- یا (e)r- ختم شود، همواره پسوند ei- به کار می‌رود؛ در سایر موارد، اگر ستاک فعل، مبنای اشتقاق باشد، همیشه پسوند erei- به کار می‌رود. اما اگر اسم، مبنای اشتقاق باشد، ممکن است ei- و یا erei- به کار رود. پسوند ei- برپایه بافت واجی به گونه‌های متفاوتی نمود می‌یابد که در همه موارد، مبنای اشتقاق فعل و اسم و یا تنها اسم است: در مجموع سه تکواژگونه ei-، یعنی ei-، erei- و elei- از هم متمایزند که گونه erei- پربسامدترین و گونه elei- کم‌بسامدترین است. گونه elei- تنها با مبنای اسمی و تنها در دو بافت واجی خاص به کار می‌رود.

الگوهای معنای واژه‌سازی آن‌دسته از اسم‌های مختوم به (er)ei- که از مبنای فعلی مشتق شده باشند، عبارت‌اند از:

- مشتقات اسم مصدر و حاصل مصدر از مبنای فعلی همراه با گونه ei- یا erei- بسیار

رایج است. در این راستا، اغلب کاربرد اسم مصدر با معنای ضمنی ناپسند در اولویت قرار می‌گیرد.

- مشتقات اسم مکان از مبنای فعلی همراه با گونه *ei*- یا *erei*- بسیار محدود است.  
 - ساخت اسم مصدر از مبنای گروه فعلی همراه با گونه *erei*- که حاوی معنای ارزش نامطلوب باشد، نسبتاً متداول است. گروه فعلی همراه با گونه *ei*-، مبنای اشتقاق اسم مصدر واقع نمی‌شود.

- ساخت اسم جمع از مبنای فعلی ناممکن است.  
 الگوهای معنای واژه‌سازی آن‌دسته از اسم‌های مختوم به *ei*، *erei*- و یا *elei*- که از مبنای اسمی مشتق شده باشند، عبارت‌اند از:

- مشتقات اسم مکان از مبنای اسمی همراه با گونه *ei*- بسیار متداول است.  
 - معنای اسم جمع، تنها آن‌دسته از اسم‌های همراه با گونه *ei*- را در برمی‌گیرد که از مبنای اسمی مشتق شده باشد.

- ساخت اسم مصدر از مبنای اسمی همراه با گونه‌های *ei*-، *erei*- و یا *elei*- که حاوی معنای ضمنی تحقیرآمیز باشد، نسبتاً متداول است.  
 - ساخت حاصل مصدر از مبنای اسمی اصولاً متداول نیست.

اسم‌های مختوم به *(er)ei*- با الگوی معنایی واحد، غالباً هم از فعل و هم از اسم مشتق می‌شوند. گاهی علاوه بر معنای اسم مصدر، معنای حاصل مصدر و یا اسم مکان نیز حاصل می‌شود. از این جهت معنای واژه مشتق اغلب تابع نوع مبنای اشتقاق است؛ به عبارتی گویاتر، ممکن است مبنای اشتقاق فعل (مثلاً *weben* «بافتن») و واژه مشتق اسم مصدر (مثلاً *Weberei* «عمل بافندگی») باشد، یا مبنای اشتقاق اسم (مثلاً *Weber* «بافنده») و واژه مشتق اسم مکان (مثلاً *Weberei* «کارگاه بافندگی») باشد.

در نهایت، اشتقاق از رهگذر فعل که حاصل آن اغلب اسم مصدر یا حاصل مصدر است، بر اشتقاق از رهگذر اسم که حاصل آن اغلب اسم مکان است، از بسامد بیشتری برخوردار است؛ زیرا اسم فاعل به‌مثابه مبنای اشتقاق در زبان آلمانی کاربرد کمتری دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، احتمال این که فعلی دارای اسم مصدر باشد، به مراتب بیشتر از آن است که آن فعل دارای اسم فاعل باشد.

۴- منابع

- Albrecht, Jörn (1973). *Linguistik und Übersetzung*, Tübingen: Max Niemeyer Verlag.
- Arens, Hans (1969 [1955]). *Sprachwissenschaft: Der Gang ihrer Entwicklung von der Antike bis zur Gegenwart*, 2. Aufl., Freiburg/München: Karl Alber.
- Bußmann, Hadumod (1990). *Lexikon der Sprachwissenschaft*. 2. Auflage, Stuttgart: Kröner.
- Donalies, Elke (2002). *Die Wortbildung des Deutschen: Ein Überblick*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Donalies, Elke (2007). *Basiswissen Deutsche Wortbildung*. Tübingen: Narr Francke Attempto Verlag.
- Duden (2006). *Die Grammatik: Unentbehrlich für richtiges Deutsch*. Mannheim, Leipzig, Wien, Zürich: Dudenverlag.
- Dürri, M. & P. Schlobinski (1994). *Einführung in die deskriptive Linguistik*. Opladen: Westdeutscher Verla.
- Eichinger, Ludwig M. (2000). *Wortbildung: Eine Einführung*. Tübingen: Narr.
- Fleischer, Wolfgang & Irmhild Barz (2012). *Wortbildung der deutschen Gegenwartssprache*, 4. Aufl. Tübingen: Niemeyer/De Gruyter.
- Fodor, J. A. & J. J. Katz (eds)(1964). *The structure of language. Readings in the philosophy of language*. Englewood Cliffs.
- Glück, Helmut (ed.)(2000). *Metzler-Lexikon Sprache*, Stuttgart: Verlag J. B. Metzler.
- Grewendorf, Günther, Fritz Hamm und Wolfgang Sternefeld (1993). *Sprachliches Wissen: Eine Einführung in moderne Theorien der grammatischen Beschreibung*. Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Hahnfeld, Andrea (2015). *Produktivität deverbalen Substantive auf -(er)ei: Quantitative Untersuchung in einem diachronischen Zeitungstext-Korpus*. Hamburg: disserta Verlag.
- Katamba, Francis (1993). *Morphology*, Houndmills, Basingstoke, Hampshire. London: Palgrave Macmillan.
- Kluge, Friedrich (1999). *Etymologisches Wörterbuch der deutschen Sprache*, Berlin & New York: de Gruyter.
- Linke, Angelika, Markus Nussbaumer & Paul R. Portmann (2001). *Studienbuch Linguistik*, 4. Auflage, Tübingen: Niemeyer.
- Lohde, Michael (2006). *Wortbildung des modernen Deutschen: Ein Lehr- und Übungsbuch*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.

- Osthoff, Hermann und Karl Brugmann (1878). *Morphologische Untersuchungen auf dem Gebiete der indogermanischen Sprachen*. Leipzig: Hirzel.
- Pelz, Heidrun (2002). *Linguistik: Eine Einführung*. Hamburg: Hoffmann & Campe.
- Pörings, Ralf und Ulrich Schmitz (Hrsg.)(2003). *Sprache und Sprachwissenschaft: Eine kognitiv orientierte Einführung*. 2. Auflage, Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Schunk, Gunther (1997). *Studienbuch zur Einführung in die deutsche Sprachwissenschaft: vom Laut zum Wort*. Würzburg: Königshausen und Neumann.
- Weinrich, Harald (2003). *Textgrammatik der deutschen Grammatik*. Hildesheim (Germany): Georg Olms Verlag.
- Wildgen, Wolfgang (2000/2001). *Einführung in die deutsche Sprachwissenschaft*. Stand: WS.

